

وجه تسمیه بیشاپور و مکان‌یابی دو اثر ساسانی در شهر بیشاپور بر پایه گزارش‌های منابع اسلامی

احمد حیدری

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، ایران

Ahmad.heidari@iaubir.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۷

چکیده

بیشاپور نام سومین شهر دولت ساسانی است که شاپوریکم ساخته است. نام این شهر در گزارش‌های مورخان و اسناد به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی به‌اشکال مختلف به‌ثبت رسیده است. بسیاری از پژوهشگران سعی نموده‌اند نام بیشاپور و آثار ذکر شده در اسناد موجود را با آثار شناسایی شده از کاوش‌های باستان‌شناسی تطبیق دهند و گاه به وجه اشتقاق آن پی ببرند. پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که وجه تسمیه بیشاپور چیست و دو اثر شناسایی شده در کاوش‌های معاصر به نام‌های معبد‌آناهیتا و تالار پذیرایی قابل تطبیق با نام کدام آثار ذکر شده توسط جغرافیایانویسان اسلامی است؟ پژوهش حاضر به این نتیجه می‌رسد که نام بیشاپور به معنای "کار نیک شاپور" یا "خداوندگار شاپور" نیست؛ بیشاپور تصحیفی از واژه "بیت-شاپور" به معنای خانه یا شهر شاپور است. این نام به‌شکل پیشوند مکان در نام بسیاری از شهرهای ساسانی مشاهده می‌شود. همچنین مطابق مطالعات صورت گرفته، نام دو آتشکده مشهوری که مولفین صدراسلام از آن به نام‌های شبرخشین و گمبذگوسر ذکر کرده‌اند، در واقع نام دو ساختمان بزرگ شهر بیشاپور به ترتیب ساختمان B (تالار پذیرایی) و ساختمان A (معبد آناهیتا) هستند.

واژگان کلیدی: بیشاپور، گنبد گوسر، آتشکده شبرخشین، معبد آناهیتا.

مقدمه

نام شهرهای ساسانی در اسناد و مدارک بسیاری همانند سکه، مهر، سنگنوشته، اسناد مانویان در مصر، گزارش مورخان رومی، چینی و جغرافیانویسان اسلامی ثبت گردیده است. بیشاپور از جمله شهرهای مهم نخستین دولت ساسانی است که آثار بسیاری از دوره شاپور یکم و حتی پس از وی در این شهر و پیرامون آن وجود دارد. بیشاپور محل اصلی اقامت شاپور یکم بوده و گور شاپور نیز در غار بیشاپور در نزدیکی شهر قرار دارد. نام آن در گذشته "وه شاپور" بوده است. پیشوند "وه" در نام شهرهای ساسانی همانند: "وه اردشیر" و "وه از آمدقباد" و موارد بسیار دیگر مشاهده می شود. پژوهشگران در گذشته آن را به "نیک" یا "خداوندگار" ترجمه کرده بودند؛ ولی در این جا این معنا ناصحیح به نظر می رسد.

شهر به دو بخش مسکونی (محل سکونت عامه) و بخش شاهی (بناهای سلطنتی) تقسیم می شود. در بخش شاهی که در شرق شهر قرار دارد چند بنای مستحکم و بزرگ وجود دارد که طی کاوش های باستان شناسی از زیر خاک بیرون آمده است. از سویی جغرافیانویسان اسلامی بسیاری به توصیف جغرافیای تاریخی شهر پرداخته اند و اظهاراتی درباره برخی بناهای شهر همانند آتشکده ها، ستون یادبود مرکز شهر، دروازه های شهر و برخی آثار خارج از شهر نموده اند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که وجه تسمیه بیشاپور چه بوده و نام دو آتشکده مشهور ساسانی که مورخان اسلامی به نام شبرخشین و گنبد گاوسر ثبت نموده اند قابل تطبیق با کدام بناهای کشف شده حاصل از کاوش های باستان شناسی است؟ در این پژوهش ابتدا به پیشینه تحقیق پرداخته می شود، سپس به توصیف شهر بیشاپور و گزارش های مورخان در مورد آن پرداخته و وجه تسمیه آن تحلیل می گردد. سپس بر اساس اسناد و مدارک تلاش می گردد که دو آتشکده مشهور شبرخشین و گنبد گاوسر با آثار کاوش شده باستان شناسان تطبیق داده شود.

پیشینه تحقیق

پژوهش هایی که تاکنون درباره شهر بیشاپور و آثار تاریخی آن صورت گرفته است، به سه دسته تقسیم می شوند. الف) سیاحان و مسافران اروپایی و ایرانی که طرح هایی از آثار ویرانه های بیشاپور تهیه کرده اند. مثل موریه (بین سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۱ م.) (Morier, ۱۸۱۲: ۳۷۵)، ماژوراستون^۱، کُست و فلاندن هستند. از کسانی که مطالبی درباره بیشاپور نوشته اند، می توان ابن بلخی را نام برد که در کتاب فارسنامه ویرانی شاپور را توسط اسکندر می داند. سپس مستوفی و آخرین فرد شرقی حاجی

^۱- Major Stone

میرزا حسن شیرازی (فرصت الدوله) در کتاب فارسنامه خود طرح‌هایی از نقوش برجسته بیشاپور ترسیم کرده است. ب) باستان‌شناسانی که در بیشاپور به بررسی باستان‌شناسی و کاوش پرداخته‌اند، همانند: تالبوت‌رایس که در سال ۱۹۳۱ م. یک بررسی سطحی در شهر بیشاپور انجام می‌دهد که پژوهش وی به صورت یک مقاله ارائه می‌گردد» (Rice, ۱۹۳۵: ۱۷). سپس ژرژسال در سال ۱۹۳۴ م. در بیشاپور کاوش نموده و بعد از او رومن‌گیرشمن رسماً از سال ۱۹۳۸ م. تا ۱۹۴۱ کاوش در بیشاپور را انجام داد (بنگریدبه: تصویر ۱)، (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۷۴-۱۸۵). در سالیان اخیر پژوهش‌هایی نیز توسط مصیب امیری (مدیر پایگاه بیشاپور) و ناصر نوروززاده چگینی^۲ انجام شده که منتشر نشده‌اند. از جمله پژوهش‌های به عمل آمده درباره بیشاپور می‌توان به تحقیق لیونل بیر پرداخت. «لیونل بیر در سال ۱۹۷۶ از این مکان بازدید کرد، وی مقاله‌ای منتشر کرده که به توصیف کامل این بنا می‌پردازد. بیر معتقد است که بنای مقدس نیمه‌زیرزمینی ممکن است قدیمی‌تر از زمان شاپوریکم باشد و همچنین ممکن است ساخت کاخ B به دوره پادشاهی شاپوریکم و هرمزد دوم تعلق داشته باشد» (Callieri, ۲۰۱۲: ۵۰۷). پ) گروه سوم پژوهشگرانی هستند که در زمینه وجه تسمیه بیشاپور مطالعه نموده‌اند که همانند نولدکه، ساندرمن و طاووسی که به تفصیل درباره آن بحث خواهد شد.

^۲ - چگینی در سال ۱۳۸۳ پژوهشی در بیشاپور انجام می‌دهد که بلا تکلیف باقی می‌ماند. ماحصل آن پژوهش نوشتاری است که به شکل مقاله‌ای در مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ و معماری شهرسازی ارگ بم منتشر شده است. ولی در آن مقاله بیشتر به ضرورت حفاری و پژوهش در بیشاپور پرداخته و هیچ‌گونه نشانه‌ای از مطالعات و با نتیجه مطالعه در آن به چشم نمی‌خورد (نوروززاده چگینی، ۱۳۸۵: ۲۴-۹).

شهر بیشاپور

پیش از ساخت شهر بیشاپور دو شهر دارابگرد^۳ و شهر اردشیرخوره^۴ در دوره اردشیریکم ساخته شده بودند. شاپور پس از تاج‌گذاری به ساخت شهر بیشاپور می‌پردازد. در مجموع در این شهر، بناهای متعدد از جمله حصار شهر، دو ایوان موزاییک، تالار تشریفات، معبد آناهیتا، بنای یادبود، کاخ والرین و یک مدرسه علوم دینی از سده چهارم هجری مربوط به دوره آل بویه کشف گردیده است.

«شهر بیشاپور به طول ۲ و عرض ۱ کیلومتر، دارای قلعه‌ای مستحکم با دیوارهای بلند و برج‌های تزیینی است (سرفراز، بی‌تا: ۲-۳). دارای دو خیابان اصلی و شبکه‌ای مستطیل از خیابان‌های متقاطع» (Huff, ۲۰۰۸: ۵۲) و «مساحت آن حدود ۱۵۵ هکتار بوده است. ولی شهر کم جمعیتی بوده چرا که بیشتر خانه‌ها در میان باغ ساخته شده بودند. زاویه شرقی بیشاپور را محله شاهی با ابعاد ۵۰۰×۴۰۰ متر اشغال می‌کرده و به این ترتیب از طرح هیپودام تبعیت می‌کرده است. در این طرح بهترین موقعیت در طرف شرق است، زیرا در آن جا گرما و سرما ملایم است» (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۳).

در باره استقرار اسرای رومی در بیشاپور، ابن‌خلدون (۸۲۸-۵۸۹ ق) می‌گوید: «شاپور زندانیان را در سه شهر مستقر کرد: ۱- جندی‌شاپور ۲- سابور [بیشاپور] ۳- توستر [شوشتر]». همچنین «در بیشاپور بر روی بلوک‌های سنگی (پایه‌های سه‌پله‌ای دو ستون یادمانی شهر) حروف یونانی توسط پیمانکاران دست‌دوم حجاری شده است، که نشان می‌دهد حجاران یا رومی یا سوری‌های بوده‌اند» (همان: ۲۵).

^۳- شهر دارابگرد: یکی از نخستین شهرهایی که اردشیریکم ساخت شهر دارابگرد بود. ظاهراً شهر در ابتدا مستطیل بوده است. «ابن‌فقیه و تعدادی نویسندگان می‌نویسند: اردشیر شهر مدوری [اردشیرخوره] را پس از الگوی (نمونه) خود یعنی شهر داراب، ساخت. پس دارابگرد قدیمی‌تر از اردشیرخوره بوده است. ظاهراً اردشیر در ابتدا ارگید شهر داراب بوده است. البته حمزه اصفهانی که یکی از منابع موثق است؛ می‌گوید: دارابگرد دارای طرح کلی مستطیل بوده و حصار مدور آن در سده هشتم میلادی توسط حجاج بن یوسف (۷۷۵-۶۶۱ م) ساخته شده است؛ و آن شهر، یک شهر هندسی با خیابان‌های متقاطع نبوده است. از این رو دارابگرد ۵۰۰ سال پس از اردشیر خوره مدور شد» (Huff, ۲۰۰۸: ۴۰).

^۴- شهر اردشیرخوره (گور): «شهر اردشیرخوره یا شهر گور دارای دیوار مدور است که با خشت ساخته شده است. دو محور اصلی با چهار دروازه هنوز از سطح زمین قابل شناسایی هستند. قطر شهر ۴۳۰ متر است. ساختار ساسانی متمرکز به برج، طربال (Tirbal)، یا منار است (Huff, ۲۰۰۸: ۴۵). ساختمان اصلی "تخت‌نشین" نام دارد که بین محور اصلی شمالی و یکی از دو حفره عمیق که در گذشته حوض آب بوده است، قرار دارد» (Huff, ۲۰۰۸: ۴۷).

استخری برخی اطلاعات جزئی را درباره موقعیت شهر بیشاپور در سده ۱۰م در اختیار ما می‌گذارد. می‌گوید: چهار دروازه دارد که دارای نام‌های ساسانی (درهرمز، درمهر، دربهرام و درشهر [شهریور]) است^۵ و یک تپه منفرد یا برجستگی شبیه برج یا یک گنبد دارد.

«به‌احتمال بیشاپور در صدر اسلام (سده ۲ و ۳ ه.ق) رونق خود را از دست می‌دهد. در سال ۳۲۱ ه.ق رکن‌الدوله از طرف برادرش علی عمادالدوله شاپور را از تصرف یاقوت والی کازرون خارج می‌نماید. در همان زمان ابن‌حوقل می‌نویسد: شاپور شهری است بزرگ به‌اندازه استخر، ولی از آن آبادتر و پرجمعیت‌تر و مردمشان توانگرتر هستند. نشانه‌های این رونق مجدد و عمران در کاوش‌ها به‌دست آمده است. چنان که در جبهه شمالی شهر بر فراز تپه‌ای مرتفع بقایای مدرسه‌ای جهت طلاب علوم دینی به‌دست آمد. طرح این بنا با بناهای دوره آل‌بویه قابل مقایسه است» (سرفراز، بی‌تا: ۶). «از نوشته‌های حمدالله مستوفی به سال ۷۴۰ ه.ق بر می‌آید که نام بیشاپور تا سده ۵۸ ه.ق رواج داشته است (همان: ۴). بر تقاطع یکی از خیابان‌های شهر ستونی یادبود و دارای سنگ‌نوشته‌ای به دو زبان پهلوی اشکانی و ساسانی وجود دارد که افسای دبیر شهردار و طراح شهر به افتخار شاپور برپا کرده است (Richter-Bernburg, ۱۹۹۳: ۷۳).

نام بیشاپور در سکه‌های ساسانی و اسلامی

درمورد شناسایی نام بیشاپور، آن گونه که در پشت سکه‌های ساسانی به شکل "بیش^۶" نقش بسته، دیگر تردیدی وجود ندارد. این نظر را مهرهایی تایید می‌کنند که مغها، صاحب منصبان غیر نظامی و در عین حال اعضای هیات روحانیون محلی برپای اسناد می‌زده‌اند. در حفاری‌ها یک مهر به‌دست آمد که دارای نام کامل شهر بیشاپور^۷ است و کلمه "بیش^۸" در وسط نقش بسته است (Polotzky, ۱۹۳۴: ۴۲). البته لازم به‌ذکر است که ضرب سکه در بیشاپور در تمام دوره ساسانی تداوم داشته ولی فقط در زمان بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ م) بوده که نشانه‌ای از محل ضرب بر روی سکه‌ها دیده می‌شود و این درست هم زمان با موقعی است که نشانه‌ای از محل ضرب بر روی سکه‌ها دیده می‌شود و آن مقارن با زمانی است که کارگاه‌های ضرب سکه شروع به نشان دادن

^۵ - «در زمان مقدسی شهرستان قصبه شاپور چهار دروازه به نام‌های: دروازه هرمز، دروازه مهر، دروازه بهرام، دروازه شهر داشته است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵).

^۶ - BIŠ.

^۷ - BIŠHPUHR.

^۸ - BIŠ.

محل ضرب در پشت سکه‌ها کردند. این امر تا زمان اردشیر سوم (۶۲۸-۶۳۰ م) تداوم داشته است» (Gobl, ۱۹۵۴: ۸۹).

«سکه‌هایی از پیروز، خسرو اول، خسرو دوم و یزدگرد سوم که همگی دارای ضرب اختصار شهر بیشاپور هستند» (سرفراز-آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۸)، نشانه‌ای بر دایر و فعال بودن ضربخانه این شهر است «بیشاپور پس از تصرف به دست اعراب مسلمان (در سال ۲۳ ه.ق) که نام آن را سابور تغییر دادند، نیز در دوره‌های مختلفی دارالضرب داشته است (دوره‌های امویان، آل بویه و ایلخانی). در سده‌های اولیه هجری دارالضرب این شهر یکی از پرکارترین دارالضرب‌های ایران بود که تا سال ۷۹ ه.ق به ضرب سکه‌های عرب ساسانی اشتغال داشت و از سال ۸۰ با طراز اسلامی سکه می‌زد. اما به گواهی سکه‌ها، از اواخر دوران بنی‌امیه که مدتی خوارج کوفه بر این شهر دست یافتند و در آن‌جا سکه زدند، از فعالیت این دارالضرب کاسته شد به نحوی که از سال ۱۲۹ به بعد، مدتی کوتاه در زمان آل بویه و چهار سده بعد در دوره ایلخانیان در آن‌جا سکه زدند». در دوره اسلامی نیز، نام بیشاپور، بیسابور، شاپور، سابور به‌عنوان یکی از ضربخانه‌های اموی (عقیلی، ۱۳۷۷: ۲۱۰، ۱۳۰ و ۳۹۷)، عباسی (سرفراز-آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۶۴)، آل بویه (عقیلی، ۱۳۷۷: ۲۱۰ و ۱۷۰)، بر سکه‌هایی از این سلسله آمده است. همچنین بیشاپور در زمره شهرهایی است که سکه‌های عرب ساسانی (سرفراز-آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۳۹)، خوارج، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن معاویه در آن‌جا ضرب شده است (عقیلی، ۱۳۷۷: ۱۷۰، ۱۶۰ و ۴۰۵).

از دیگر نواحی کوره شاپور که نامش به‌عنوان دارالضرب در برخی سکه‌ها مشاهده شده می‌توان از: تنبوک (تنبوک المورستان) بر سکه خوارج، آنوران بر سکه منحصر به فردی از عبدالله بن حازم، ضرب سال ۶۳ ه.ق نوبنجان و نوبندجان (که همان نوبندگان است) در دوره ایلخانان نام برد. همچنین در ۱۹۵۸ م در لندن سکه‌ای از غازان خان به‌معرض حراج گذاشته شد که به سال ۷۰۰ ه.ق در طاوس ضرب شده بود. در کاتالوگ آن برای معرفی دارالضرب نوشته بود: طاوس الحرمین زاویه کازرونیه یا خانقاه شیخ ابواسحق در کازرون بود (عقیلی، ۱۳۷۷: ۴۰۵-۳۹۶).

وجه تسمیه بیشاپور

چنان‌که گفته شد نام بیشاپور در سکه‌های ساسانی، به شکل اختصاری "بیش" ثبت شده است. در دوره اسلامی نیز، نام بیشاپور به‌شکل بیسابور، شاپور، سابور به‌عنوان یکی از ضربخانه‌های اموی (عقیلی، ۱۳۷۷: ۲۱۰ و ۳۹۷)، عباسی (سرفراز-آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۶۴)، آل بویه (عقیلی، ۱۳۷۷: ۲۱۰ و ۱۷۰) بر سکه‌های آن حاکمان آمده است.

ابن بلخی گوید: «بشاوور، بشاپور را چون به تازی نویسند و اصل آن بی‌شاپور است و تخفیف را "بی" از آن بیفکنده‌اند و شاپور نویسند» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۲-۱۴۱) گویند شاپور هر شهری را که می‌ساخت نام خود را بر آن می‌نهاد و هم از این‌رو شهرهای زیادی در تاریخ به نام او وجود داشته که برخی هنوز برقرارند. از جمله این شهرها که به او منسوب هستند: نی‌شاپور، بی‌شاپور، شادشاپور، به‌ازاندیوشاپور، شاپورخواست، بلاش‌شاپور و فیروزشاپور است.^۹ یاقوت می‌نویسد: «سابور به لفظ سابور یکی از اکاسره [=پادشاهان ایران] است و اصل آن شاه‌بور یا ملک‌بور است و بور به زبان فارسی به معنای ابن [=پسر] است. در این ناحیه شهرهایی بزرگتر از آن هست؛ مانند: نوبندگان و کازرون. ولی این ناحیه منسوبست به شاهنشاه شاپور، زیرا او شهر شاپور را بنا نهاد» (یاقوت حموی، ۱۹۵۷: ۱۶۷).

«از بیشاپور فقط در دو منبع مربوط به زمان شاپور یکم نام برده شده است: یکی از آن‌ها کتیبه‌ای است که ما در خود بیشاپور کشف کردیم که مشهور به سنگ‌نوشته اِپسای دِیبر^{۱۰} است، منبع دوم در بخشی از شرح زندگانی مانی است که توسط خود وی نوشته شده است» (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۲). «این زندگی‌نامه توسط پیروان مصری به زبان کوپت^{۱۱} (زبان آئینی) ترجمه شده و در مصر کشف

^۹ «شاپور، شهر نیشاپور را در خراسان، شهر بیشاپور را در فارس، شهر فیروزشاپور را که همان شهر انبار است در عراق و شهر جندی‌شاپور را در خوزستان ساخت» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۶۳). «بی‌شاپور فارس، بلاد شاپور در همسایگی جنبد از نواحی پارس به سرحد خوزستان، شاپورخواست و جندی‌شاپور (اندیوشاپور) خوزستان، شادشاپور میسان، شادروان شوشتر اما این شهر را شاپورذوالاکتاف بست» (مجهول‌المولف، ۱۳۱۸: ۶۴). شاپور شهرهای بسیار کرد، چون... و بی‌شاپور از فارس است بشاوور خوانند» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۵). «از آثار او [شاپور] بلاد شاپور فارس و عمارت نشاپور خراسان... شادشاپور قزوین و جندی‌شاپور خوزستان و به هر ولایت روستاهای بسیار ساخت» (طبری، ۱۳۷۵: ۵۹۲). «گویند: شاپور در میسان، شادشاپور را بنیان نهاد که در آن را به نبطی دیما گویند... جندی‌شاپور، به‌ازاندیوشاپور به معنی "به‌ازانتاکیه" که شهر شاپور نیز نام یافت و همانست که جندی‌شاپور خوانند» (ثعالبی الف، ۱۳۶۸: ۲۳۹). «... و در فارس شهر شاپور را ساخت» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ب: ۳۱۳).

^{۱۰} اِپسای، نایب (حاکم) شهر روی یکی از ستون‌های یک بنای مجلل (در مرکز شهر) که شامل مجسمه‌ای از شاه بوده، حکاکی کرده، یادآور بازدید است که شاپور از این بنیاد جدید (در حال ساخته شدن) به عمل آورده است. اِپسای این بنای مجلل را که به هزینه خودش برپا کرده، به پادشاه هدیه می‌کند، شاه که از این امر راضی بوده به وی طلا، نقره و تعدادی غلام و کنیز و باغ و زمین می‌دهد. این بازدید در سال ۲۶۶ یا ۲۶۷ م. در بیست و چهارمین سال سلطنت شاپور اتفاق افتاده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۲).

^{۱۱} Copte

شده است. بخشی از متن آن به قرار ذیل است: "شاپور شاه به پارس آمد، او به شهر شاپور رسید، یک بیماری بر او عارض شد،... شاپور شاه مرد و از این دنیا رفت، هرمزد شاه برخاست و به جای او تاج بر سر نهاد" (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۲).

در جلگه شاپور، خرابه‌های شهر باشکوه و مجلل قدیمی بیشاپور "وه شاپور- به شاپور"، به معنی شاپورنیک یا از کارهای خوب شاپور قرار دارد که در زمان ساسانیان مرکز کوره شاپور بوده است. «شهر بیشاپور روی زمینی بکر بنیان نهاده شده است» (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۶). در فهرست نام شهرهای زمان شاپور در کتیبه کعبه زرتشت نام شاپور دیده نمی‌شود و در عوض نام ساتراپ و شاپور نوشته شده است.^{۱۲} اما به تدریج در منابع به اشکال وه شاپور، ویه شاپور، بساپور، بیشاپور نوشته شده است. برخی پژوهشگران معتقدند: «نام بی شاپور از واژگان بی+شاپور^{۱۳} مشتق شده است که به معنای شاپور خداوندگار(بغ)^{۱۴} است» (Sundermann, ۱۹۹۰: ۹۴-۵). محمود طاووسی نیز نظری مشابه ساندنمن دارد و معتقد است «بیشاپور، ظاهراً به صورت بی شاپور می‌باشد که به مرور (بی) به (شاپور) چسبیده و به شکل بیشاپور در آمده است. بیشاپور، از دو جزء (بی=Bay)، گونه و شکلی دیگر از (بخ)، (فغ)، بگ و بیگ می‌باشد که اصل آن در فارسی باستان بَغ^{۱۵} و در پهلوی بَغ^{۱۶} یا بی^{۱۷} به معنی بزرگ، خداوندگار و شاه است و روی هم بی شاپور یا بغ شاپور (چنان که به کرات در کتیبه‌های ساسانی هم آمده است) که به معنی شاپور بزرگ، یا خداوندگار شاپور می‌باشد» (مظفریان، ۱۳۷۳: ۷۱). «این نام بر روی یک مهر، بر سنگنوشته‌ای به پهلوی میانی در اقلید، بر نوشته‌های مانویان به شکل بشابهور، در اسناد ساسانی بیشاپوهر و در نهایت واژه "بیش^{۱۸} بر سکه‌ها (که آشکارا به بیشاپور اشاره دارد)، دیده می‌شود» (Keal, ۱۹۹۰: ۲۸۷). «برخی نیز نام این شهر را بی شاهپوهر^{۱۹} می‌خوانند، یعنی [شهر] خداوندگار شاپور» (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). این نام در کتاب شهرستان‌های ایران شهر "وه شاپور" آمده است (Marquart, ۱۹۰۱: ۱۹). نولدکه در پژوهشی راجع به نام "به-اردشیر" می‌نویسد: «وه اردشیر، پهلوی به اردشیر است و معنی آن خانه اردشیر است که "وه" همان

^{۱۲} -بَنگَرِیدِبِه: ترجمه سنگنوشته کعبه زرتشت (سامی، ۱۳۴۲: ۵۲).

^{۱۳} -bay-šāpūr.

^{۱۴} - Lord Shapur.

^{۱۵} - бага.

^{۱۶} - bag.

^{۱۷} - Bay.

^{۱۸} - BYŠ.

^{۱۹} - Bayšāpuhr.

"به"، به معنی خانه و زندگی است» (کیانی، ۱۳۶۶: ۳۴). اگر چنین باشد بیشاپور را باید سرای شاپور معنی کرد.

در مجموع می‌توان گفت مدارک موجود ما درباره نام بیشاپور به دو دسته پیش از اسلام و پس از اسلام طبقه‌بندی می‌شود: در پیش از اسلام، نام بیشاپور بر روی سکه‌ها "بیش"، بر روی یک مهر و بر نوشته‌های مانویان به شکل "بشابهور"، در کتاب شهرستان‌های ایران شهر "وه‌شاپور" ثبت شده است. در پس از اسلام بر روی سکه‌ها و در گزارش جغرافیایانویسان صدر اسلام بیسابور، شاپور، سابور نوشته شده است. در مورد وجه تسمیه بیشاپور چند نظر ارائه شده است: الف) پژوهشگرانی که بیشاپور را به معنای "شاپورنیک یا کارخوب شاپور" دانسته‌اند؛ همانند: رمن‌گیرشمن. ب) پژوهشگرانی که بیشاپور را به معنای "بغ شاپور یا شاپوربزرگ یا خداوندگار شاپور" معنا کرده‌اند؛ همانند: ساندرمن و طاووسی. پ) پژوهشگرانی که بیشاپور به معنای "خانه یا سرای شاپور" می‌دانند؛ همانند نولدکه.

نویسنده نظر نولدکه را با تغییراتی می‌پذیرد؛ بدین صورت که "وه" در نام شهرهایی مثل: وه‌اردشیر، وه‌شاپور، وه‌زامدقباد به معنای نیک یا خداوندگار نیست؛ "وه" پیشوند مکان است و ریشه این واژه از "بیت" است که در پهلوی به شکل "وه" تلفظ و نگاشته می‌شده است. به نظر می‌رسد این نام نیز به شهرهایی گذارده شده که خانواده اصلی پادشاه در آنجا اقامت داشته و یا جایی بوده که یک مناسبت بزرگ در آن روی داده است (مثل تاج‌گذاری پادشاه)، که پیشوند "وه" به آن مکان اضافه شده است.

آثار بدست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی در بخش شرقی شهر بیشاپور (بخش شاهی)

شهر بیشاپور دارای دو قسمت مسکونی و بخش شاهی بوده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی، در بخش شرقی شهر شاپور (که بخش شاهی) بوده دو بنای بزرگ به نام ساختمان A یا معبد آناهیتا و ساختمان B یا تالار پذیرایی شناسایی شده است که قابل تطبیق با دو آتشکده شیرخشین و گنبدگاو سر است. در این جا توصیف مختصری از آن ارائه می‌گردد و سپس به چگونگی انطباق گزارش منابع تاریخی با آثار به دست آمده می‌پردازیم.

معبد آناهیتا (ساختمان A)

معبد آناهیتا در شمال غربی کاخ یا تالار تشریفات (ساختمان B) قرار دارد. این بنا را گیرشمن در کتاب خود آتشکده یا معبد آتش نام نهاده است. بعدها سرفراز به جریان آب آن پی می‌برد و آن را

معبد آناهیتا نامید. اثر مذکور با کمی فاصله نسبت به تالار پذیرایی به راهروی غربی کاخ راه دارد. عبارتست از یک تالار بزرگ مربع شکل که طول و ارتفاع هر ضلع در حدود ۱۷ متر می‌باشد. نیمی از دیوارهای بنا از سطح زمین پایین‌تر ساخته شده به‌گونه‌ای که تنها حدود ۷ متر از دیوارهای آن از سطح زمین بلندتر می‌باشند. این بنا کلاً با تخته سنگ‌های نسبتاً بزرگ زیر تراش و خشکه چین همراه با بست‌های آهنی برای اتصال ساخته شده است. بر رأس دیوار شمالی بنا نیم تنه دو گاو گذارده شده که روی پیکره‌های سنگی به درون معبد است.

تالار پذیرایی شاپور (ساختمان B)

«این بنا دارای تالاری هشت‌گوش بزرگ که با قلوه سنگ و ساروج ساخته شده و یک متر از سطح معبد آناهیتا بالاتر و راهروهایی در چهار طرف دارد. دور تا دور تالار با گچ‌بری‌های ظریف عهد ساسانی مزین و کف تالار نیز با گچ‌کارهای رنگین به رنگ‌های سیاه و آبی و قرمز اندود گردیده بود. یک محیط مربع شکل مرکزی که هر ضلع آن ۲۲ متر است، ارتفاع گنبد بیش از ۲۵ متر است. چهار ایوان سه اتاقی اطراف آن را فرا گرفته‌اند» (سرفراز، بی تا: ۲۱). گیرشمن می‌گوید: «در بنای دوران اسلامی آتشدانی نزدیک پرستشگاه یافت شده است که گویا متعلق به این پرستشگاه بوده است» (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۵۰).

از ویژگی آتشکده‌های ساسانی، دارا بودن پلان چلیپایی، کریدوری پیرامون آن و وجود یک آتشدان در مرکز چهارتاقی است. دو مورد نخست را در ساختمان B می‌توان مشاهده نمود. به نظر می‌رسد آتشدان مکشوفه نیز در ابتدا در ساختمان B پیشاپور قرار داشته است که در دوران اسلامی آن آتشدان از جای اصلی خود به بیرون منتقل می‌شود. این گونه به نظر می‌رسد که هر دو ساختمان A و B کارکرد مذهبی داشته و معبد می‌باشند. ساختمان A دارای کریدوری پیرامون اتاق مرکزی خود است و آبراه‌هایی در آن تعبیه شده است که مدارک نشان می‌دهد معبد آناهیتا است.

در سده‌های دوم و سوم میلادی معابد آب و آتش در کنار هم وجود داشته‌اند، مثل معبد سرخ‌کتل^{۲۰} که مطابق کتیبه‌ای که در آن یافت شده نوکونزوک خادم معبد مراسم نیایش آب و آتش را در آن مکان اجرا می‌کرده است (Rosenfeild, ۱۹۶۷: ۱۵۸). همچنین نیایش آب و آتش در سده ۶م

^{۲۰} -از ترجمه متن بر می‌آید که این بنا را کانیسکا ساخته است، بنا به تعمیر نیاز پیدا می‌کند و متروک می‌شود تا زمانی که کسونال Ksunala یک نوکونزوک و یک سردبیر به آن‌جا می‌آید و تعمیر می‌کند، و بنا را تزیین می‌کند، سه دبیر یا کارمند دیگر در این کار سهم بودند که در کتیبه مهران Mihramān و بُرزمهرپوره Burzmihrpurh، ...، هلموت هومباخ Helmut Humbach ترجمه کاملی از این سنگ‌نوشته ارائه داده است» (Rosenfeild, ۱۹۶۷: ۱۵۸).

در مجموعه آتشکده آذرگشنسب (تخت سلیمان) به نوع دیگری مشهود است. فون دراوستن معتقد بود اتاق B تخت سلیمان یک معبد آناهیتاست که بعدها آن را نفی کرد، سپس آذرنوش سازه PB را در تخت سلیمان به معبد آناهیتا منتسب نمود (Azarnoush, ۱۹۸۷: ۳۹۱-۴۰۲). در مجموع برخی از پژوهشگران همانند آذرنوش بر این باورند که ساختمانی می‌تواند تالار پذیرایی باشد که توسط یک کریدور محصور نشود، از این رو ساختمان A (معبد آناهیتا) و ساختمان B (تالار پذیرایی - شاپور) بیشاپور به ترتیب معبد آناهیتا و آتشگاه می‌باشند (Azarnoush, ۱۹۹۴: ۸۶). این گونه به نظر می‌رسد که آن جایگاهی که معابد آب در سده ۲ و ۳ میلادی داشته به مرور زمان اهمیت و نقش خود را از دست داده و تنها در مجموعه آتشکده آذرگشنسب یک اتاق به معبد آناهیتا تعلق گرفته و پس از اسلام مورخان تمامی معابد را آتشکده فرض کرده‌اند. از این رو در مواجهه با بنای معبد آناهیتا که چند نیم تنه گاو بر دیوار آن قرار داشته به آن آتشکده گنبد گاوسر گفته و بنای همجوار آن که ساختمان B نام داشته که به احتمال آتشکده اصلی شهر بوده، شبرخشین یا سیاوشان نامیده‌اند. ولی کارکرد هر دو که معبد بوده را درست تشخیص داده‌اند.

وضعیت مذهبی در صدر اسلام و آتشکده‌های ذکر شده در منابع اسلامی

ولایت شاپور با این که در همان اول هجری توسط مسلمانان تصرف شد، لیکن تا چندین سده پس از آن یکی از مراکز دینی زرتشتی بوده است. از همان آغاز فتح این کوره توسط سپاه عرب، مردم شاپور چندین نوبت دست به شورش زدند. جغرافی‌نگاران مسلمان در سده چهارم ه.ق به وجود چندین آتشکده مهم در ولایت شاپور اشاره می‌کنند که رونق داشته و مورد احترام مردم بوده‌اند.

در شهر شاپور آتشگاهی معروف به سرخس و آتشکده دیگری معروف به چند کلونی بوده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۳) اصطخری، نام آتشگاه اولی را شبرخشین و آتشکده دیگر را که در مقابل در ساسان شاپور قرار داشته، گنبد کلوشن ضبط کرده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۰۶). ابن حوقل نام این دو آتشکده را سیوخشین (سیاوشان) و جنبذ کاوسن [گاوسر] ضبط کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۳). در حدود العالم آمده است « اندروی دو آتشکده است که آن را زیارت کنند » (مجهول‌المولف، ۱۳۶۲: ۱۳۳). مسعودی نیز می‌نویسد: "در شهر شاپور فارس آتشکده‌ای است که آن را محترم می‌دارند و دارا پسر دارا ساخته است" (مسعودی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۶۰۵). همچنین استخری نام دو آتشکده

مهم در شهر بیشاپور، به نام شیرخشین^{۲۱} [ابن حوقل آن را بشرخشین ثبت کرده است، بنگرید به: ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲۷۳] و گمبذگاو سر^{۲۲} را در کنار دروازه های شاپور قرار دارند را ذکر می کند» (شوارتس، ۱۳۷۲: ۶۰). «اگر آتشکده گنبد گاو سر همین بنای مشهور به معبد آناهیتا باشد، پس این بنا نمی توانسته معبد آناهیتا یا آب باشد» (بنگرید به: شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۵-۲۸۷/۱۹۹۰: Keal, ۲۸۹). البته آتشکده های بسیار دیگری در پیرامون بیشاپور وجود داشته که مورخان از آن نام برده اند، همانند آتشکده جره و نارفرآ که مورد احترام زیاد زرتشیان بوده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۳). پس از مقدسی، نویسندگان دیگر مطالب جدیدی درباره شاپور نمی نویسند.

چنان که در گزارش های جغرافی نویسان صدر اسلام نام دو آتشکده به اشکال مختلف ثبت شده که نشان می دهد در صدر اسلام این آتشکده ها فعال و یا مورد توجه مردم بوده است. این دو آتشکده یکی شیرخشین است که به شکل های شیرخشین، سرخس، سیوخشین (سیاوشان) ثبت شده و دیگری آتشکده گنبد گاو سر است که به صورت گنبد گاو سر، جنبد کاوسن، چند کلونی، گنبد کلوشن نوشته شده است. در کاوش های باستان شناسی ۸۰ سال اخیر در شهر بیشاپور دو بنای مهم (یکی ساختمان A یا معبد آناهیتا و دیگری ساختمان B یا کاخ یا تالار شاپور است) و شناسایی شده است که قابل تطبیق با دو آتشکده مذکور است.

نتیجه گیری

مطابق پژوهش های انجام شده بیشاپور از "وه شاپور" گرفته شده است. نگارنده در بررسی وجه تسمیه نام "بیشاپور" نظر نولدکه را با تغییراتی می پذیرد؛ بدین صورت که "وه" در نام پیشوند شهرها به معنای نیک یا خداوندگار نیست؛ "وه" پیشوند مکان است و ریشه این واژه از "بیت" بوده که در پهلوی به شکل "وه" تلفظ و نگاشته می شده است و به معنای "محل اقامت، سرا یا خانه" است؛ و به احتمال ریشه مشترکی با "بی" یا "بیت" آرامی به معنی خانه و زندگی دارد. به نظر می رسد این نام به شهرهایی گذارده می شده که خانواده اصلی پادشاه در آنجا اقامت داشته و یا جایی بوده که یک مناسبت بزرگ در آن روی داده است (مثل تاج گذاری پادشاه)، که پیشوند "وه" به آن اضافه شده است.

^{۲۱} - Sheberkhashin

^{۲۲} - استخری در کتاب المسالك والممالک می گوید: «آتشگاهی بر در سابور هست که شیرخشین خوانند. هم در شاپور آنجا که باب ساسان گویند آتشگاهی هست که گنبد کلوشن (گاو سر) خوانند» (اصطخری، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۹۶؛ مهریار، ۱۳۷۹: ۲۳-۴).

در مورد مکان‌یابی دو آتشکده‌ای که در منابع تاریخی مشاهده می‌شود و تطبیق آن با آثار به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی، می‌بایست گفت در مجموع دو آتشکده در منابع تاریخی به اشکال مختلف ذکر شده است. یکی **شیرخشین** که به شکل‌های **شیرخشین**، **سرخس**، **سیوخشین** (سیاوشان) ثبت شده و دیگری آتشکده **گنبدگوسر** که به صورت **گنبدگوسر**، **جنبد کاوسن**، **چند کلونی**، **گنبد کلوشن** نوشته شده است. از آن‌جا که ساختمان **A** (معبد **آناهیتا**) و ساختمان **B** به دلایلی که ارائه شد (مانند: نقشه چلیپایی، کریدور پیرامونی و آتشدان) کارکردی مذهبی و به‌احتمال کارکرد آتشکده داشته است. از این‌رو معبد **آناهیتا** یا ساختمان **A** را می‌توان همان **گنبد گوسر دانست** که پیکره **گاو** بر سر آن قرار دارد و ساختمان **B** یا **تالار پذیرایی**، قابل تطبیق با **آتشگاه شیرخشین** (سیاوشان) است.

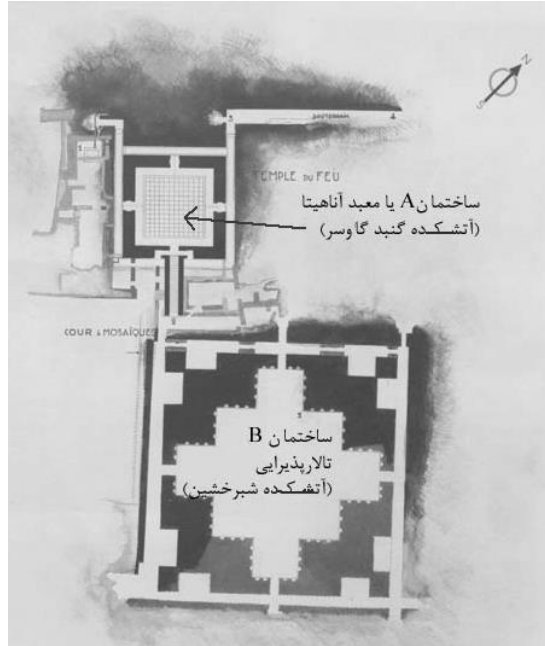
منابع و مأخذ

- ۱- ابن بلخی. (۱۳۶۳). *فارسانامه ابن بلخی*، تصحیح: گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- ۲- ابن حوقل، ابوالقاسم النصیب. (۱۳۶۶). *سفرنامه (ایران در صوره الارض)*، ترجمه جعفرشعار، تهران: امیرکبیر.
- ۳- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۶۸). *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل نیشابوری. (۱۳۶۸ الف). *لطائف المعارف*، ترجمه و نگارش علی اکبر شهبازی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۵- ----- (۱۳۶۸ ب). *تاریخ ثعالبی مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*، پاره نخست، ترجمه محمد فضایی، تهران: نقره.
- ۶- سامی، علی (۱۳۴۲). *تمدن ساسانی*، جلد ۱، شیراز: موسوی.
- ۷- سرفراز، علی اکبر (بی تا). *راهنمای آثار باستانی بیشاپور*، شیراز: چاپ مصطفوی.
- ۸- سرفراز، علی اکبر. آوزمانی، فریدون. (۱۳۷۹). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت.
- ۹- شاپور شهبازی، علیرضا. (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان*، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب *تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، ترجمه تحقیق و تعلیقات علیرضا شاپور شهبازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ۱۰- شوارتس، پاول. (۱۳۷۲). *جغرافیای تاریخی فارس*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۱- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک*، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۲- عقیلی، عبدالله. (۱۳۷۷). *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۱۳- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۶). *شهرهای ایران*، جلد دوم، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- ۱۴- گیرشمن، رمن. (۱۳۷۹). *بیشاپور*، جلد اول، ترجمه اصغر کریمی، تهران: میراث فرهنگی.
- ۱۵- مجهول المؤلف. (۱۳۱۸). *مجمل التواریخ و القصص*، تصحیح ملک الشعراى بهار، تهران: خاور.
- ۱۶- مجهول المؤلف. (۱۳۶۲). *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- ۱۷- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسن. (۱۳۵۶). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۹- مظفریان، منوچهر. (۱۳۷۳). *کازرون در آئینه فرهنگ ایران*، شیراز: نوید.
- ۲۰- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۳). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، بخش دوم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: مولفان و مترجمان ایران.
- ۲۱- مهریار، محمد. (۱۳۷۹). *سیمای شهر بیشاپور در دوران اسلامی*، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ۵ جلد، جلد سوم، تهران: میراث فرهنگی کشور، ۶۹-۱۱.
- ۲۲- نوروززاده چگینی، ناصر. (۱۳۸۵). *زنده یاد استاد محمد مهریار: تاملی در ادامه پژوهش های باستان شناختی در بیشاپور*، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ارگ-بم، جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۲۴-۹.
- ۲۳- یاقوت حموی، عبدالله. (۱۹۵۷). *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- ۲۴- Azarnoush, M. (۱۹۸۷). *Fire temple and Anahita temple: A discussion on some Iranian places of worship, Mesopotamia, Vol: XXII, ۳۹۱-۴۰۲.*
- ۲۵- Azarnoush, M. (۱۹۹۴). *The Sassanian Manor House at Hajiabad, Iran, Monografie di Mesopotamia III, Florence.*

- ۲۶-Callieri , Pierfrancesco.(۲۰۰۷). *L archeologie du Fārs a l' époque hellenistique*, editions de Boccard.
- ۲۷-Ghirshman, Roman.(۱۹۳۶). *Chapour, Rapport preliminaire de la premiere champagne de fouilles* (Automne ۱۹۳۵-Printemps ۱۹۳۶), *Revue des Arts Asiatiques*, Tome X, Numero III, Paris, ۱۱۷-۱۲۲.
- ۲۸-Göbl, R.(۱۹۵۴). *Aufbau der Münzprägung dans*, Edited: F.Altheim und R.Stiehl, Ein asiatischer Staat, Wiesbaden.
- ۲۹-Huff, Dietrich.(۲۰۰۸). Formation and Ideology of the Sassanian State in the Context of Archaeological Evidence, in: Vesta Sarkhosh Curtis and Sarah Stewart. *The Sasanian Era. The Idea of Iran. Volume III*, in association with the London Middle East Institute at SOAS and The British Museum. supported by the Soudavar Memorial Foundation . ۳۱-۵۹.
- ۳۰-Keal, Edward J.(۱۹۹۰). BĪŠĀPŪR, in: Ehsan Yarshater, *Encyclopedia Iranica*, Volume IV, ۲۸۷-۲۸۹.
- ۳۱-Marquart, Josef.(۱۹۰۱). *Ērānšahr nach der Geographie des Ps.Moses Xorena 1*, Abhandlungen der Königlich Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen, Philosophisch-historische Klasse.N.F ,III Bd nro ۲, Göttingen.
- ۳۲-Morier, L.P.(۱۸۱۲). *A second Journey through Persia, Armaenia an Asia Minor to Constantinople between the years ۱۸۱۰ et ۱۸۱۶*.
- ۳۳-Polotzky, H.(۱۹۳۴). *Manichäische Homikuen*, Stuttgart.
- ۳۴-Rice, D, Talbot.(۱۹۳۵). The city of Shapur. Historical Note by Gerald Reitlinger, in: *ARS ISLAMICA*. Ann Arbor University of Michigan Press, MCMXXXV, Vol II, ۱۷۴-۱۸۸.
- ۳۵-Richter-Bernburg , Lutz.(۱۹۹۳). Mani's Dodecads and Sasanian Chronology: Kephalaia . Shāpūrāgān and Codex Manichaicus Coloniensis, Source: *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik*, Band ۹۵, ۷۱-۸۰.
- ۳۶-Rosenfield, John M. (۱۹۶۷). *The dynastic arts of Kushans*, University of California Press Berkeley and Los Angeles.

۳۷-Sundermann, Werener.(۱۹۹۰). Shapur's Coronation: The Evidence of the Cologne Mani Codex Reconsidered and Compared with Other Texts, *Bulletin of the Asia Institute New Series*, Vol ۴, In honor of Richard Nelson Frye: Aspects of Iranian Culture, ۲۹۵-۲۹۹.



تصویر ۱- نقشه بناهای کاوش شده در بیشاپور، (۱. fig. ۱۹۳۶: ۱۱۹, Ghirshman, After)

تهیه شده توسط گیرشمن در سال ۱۹۳۶